

سیاهپوشی یک کوچه با چادرها

محدثه صفایی، بانویی است که روزه‌های حسینی یکی از کوچه‌های خیابان وحید را مزین به چادرهای سیاهی کرده است که خیرات و نذر و هدیه برای ایام عزاداری هستند. از او درباره ایده این کار می‌پرسیم می‌گوید: وقتی برای تهیه پارچه‌های سیاه مراجعه کردیم که کوچه‌ها را سیاه پوش کنیم، هزینه بسیار زیادی را باید پرداخت می‌کردیم. این ایده به ذهنم رسید که با اطلاع‌رسانی در منطقه زندگی خودمان چادرهای استفاده شده و کهنه را جمع‌آوری کنیم تا در این راه استفاده شود. باورمان نمی‌شد، اما استقبال خیلی خوبی شد و توانستیم با چادرهای جمع‌آوری شده کوچه وحید ۱۵/۸ را کامل سیاه پوش کنیم.

چادرهای کهنه را برش می‌زنیم

این بانوی طلبه درباره تحویل گرفتن چادرها و آماده‌سازی آن‌ها برای نصب در کوچه می‌گوید: هرکسی که به ما اعلام می‌کرد قصد اهدای چادر را دارد به اتفاق همسرم به در منزلش می‌رفتیم و چادر را تحویل می‌گرفتیم. در مرحله بعد چادرها را به پارچه‌های مربع و مستطیل برش می‌زدیم و خواهرم کار دوخت نهایی و آماده‌سازی قبل از نصب آن‌ها را انجام می‌داد. بعد هم با کمک هم محله‌ای‌ها آن‌ها را نصب کردیم. در دهه دوم محرم این کار را انجام دادیم و روزه‌های حسینی را در این محله با همین چادرهای سیاهی که پرچم‌های سیاه عزاداری شده بودند، برگزار کردیم.

چادری که یادگاری مادر بود

این بانوی فعال فرهنگی درباره حس و حال کسانی که این چادرها را برای ایام عزاداری داده بودند، بیان می‌کند: هرکسی با حال و هوای خاص خودش این کار را انجام می‌داد. مثلاً شخصی چادر سیاه مادرش را که از دنیا رفته بود به ما داد و گفت مادرم همیشه با همین چادر در روزه‌ها و عزاداری‌ها شرکت می‌کرد حالا خوش‌حالم که چادر سیاهش پرچم عزاداری امام حسین (ع) شد و در همین راه استفاده می‌شود. شخص دیگری می‌گفت که نیتی کردم و این چادرها را به شما می‌دهم. حتی کسانی هم بودند که به ما کتیبه اهدا کردند.

همه خانواده پای کار هستند

از خانم صفایی درباره خودش می‌پرسیم که همسر و فرزندانش در این کار چقدر همراهی‌اش می‌کنند؟ می‌گوید: همسرم کارگر ساختمانی است. با به پای من با همه وجودش در این کار همراهی می‌کند. تمام چادرهایی که مردم اهدا کردند، همسرم تحویل گرفت و برش زد. آن‌ها را انجام داد. سه فرزند دارم که سومی ۹ ماهه است. اما فرزند اول و دوم به اندازه‌ای شوق و ذوق داشتند که وقتی نتیجه کار را دیدند و وارد کوچه سیاه پوش شدند از من خواستند که برای کوچه‌های دیگر هم در ایام عزاداری این کار را انجام بدهیم.

اگر نقاشی و خطاطی روی پارچه بلید...

از او می‌پرسیم که قصد دارد این کار را ادامه بدهد و فکر می‌کند چه کارهای دیگری در این باره می‌توان انجام داد؟ که می‌گوید: تصمیم داریم در ایام شهادت‌ها نیز با همین چادرها کوچه‌ها را سیاه پوش کنیم، اینکه مردم چه اندازه در این راه چادرهای سیاه استفاده شده‌اند ما هدیه بدهند خیلی کمک‌کننده است. البته دنبال افرادی هم هستیم که در مرحله بعدی روی این پارچه‌ها بتوانند خطاطی یا نقاشی کنند که نیازمند اطلاع‌رسانی بیشتر است.

در این مسیر همراهی مردم لازم است

در روزهای عزاداری که در کوچه‌های این شهر پرچم‌های سیاه برپا می‌شود به جای صرف هزینه‌های بسیار هر کدام از این پرچم‌ها می‌تواند چادری باشد که دیگر قابل استفاده نیست یا یادگار مادری باشد که دیگر در میان مان نیست. مادری که چادر سیاه روزه‌هایش این بار نشان عزاداری برای صاحب این مجلس است. اگر مردم همت کنند و در این مسیر چادرهای سیاهی را که یادگاری اند یا دیگر لازم ندارند به دست این بانوی طلبه برسانند.

چادر سیاه مادر
از همان بچگی
انگار خودش
توسل و پناه بود،
مقدس بود شبیه
ببرق‌های عزاداری
که حرمتشان
همیشه باید
حفظ شود

